

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداف ترکیه در قفقاز جنوبی

حسین فتاحی اردکانی^۱

چکیده

جنگ‌های اوکراین و قره‌باغ برای ترکیه فرصت منحصربه‌فردی را فراهم کرد تا چشم‌انداز جدید راهبردی خود را بازنگری کند. پژوهش حاضر با کاربست نظریه سازه‌انگاری به دنبال پاسخ به این پرسش است که اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی ترکیه در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه یک راهبرد چندوجهی را برای دست‌یابی به اهداف اقتصادی (دسترسی به بازار مصرف، سرمایه‌گذاری و تسلط بر خطوط انرژی و تأمین امنیت انرژی)، سیاسی و استراتژیک (گسترش حوزه تأثیرگذاری استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در منطقه و محیط بین‌الملل) و نظامی و امنیتی (تغییر موازنه نظامی و امنیتی منطقه از طریق اعطای کمک به متحدین راهبردی) به کار بسته است. نتیجه اینکه ترکیه به دنبال تغییر واقعیت‌های ژئوپلیتیک در قفقاز، تلاش می‌کند با کاربست راهبرد چندوجهی ضمن کاهش نقش رقبای خود، روسیه و ایران در منطقه و با پیدا کردن راهی برای بهبود روابط با ارمنستان، وزن ژئوپلیتیک خود را در جهان رو به تغییر و نظم چندقطبی بین‌الملل ارتقاء بخشد.

واژگان کلیدی:

ترکیه، قفقاز جنوبی، اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی، راهبرد چندوجهی، سازه‌انگاری.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، یزد، جمهوری اسلامی ایران.

h-fattahi@ardakan.ac.ir

مقدمه

یکی از مسائل مهم عرصه سیاست خارجی درک و شناخت بنیان‌های فکری و رفتاری دولت‌ها و نوع کنشگری آن‌ها در عرصه بین‌المللی است. با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک^۱ و ژئواستراتژیک^۲ منطقه قفقاز جنوبی و ایجاد تغییرات سریع در این منطقه، آگاهی و ارزیابی این تغییرات برای کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای دارای اهمیت زیاد است. این تغییرات به صورت سلسله‌وار باعث تأثیر بر سیاست‌های منطقه‌ای می‌شود که برای درک این موضوع شناخت تغییرات این منطقه مهم است. اهمیت پژوهش حاضر درک پویای‌های جدید ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذار در محیط بین‌المللی برای کنشگری فعال در عرصه سیاست خارجی و اهداف راهبردی آن در قفقاز جنوبی است. منطقه قفقاز جنوبی از گذشته تاکنون، به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی قابل توجهی که با ملاحظات تاریخی، استراتژیک، اقتصادی و امنیتی مشخص می‌شود در نقطه کانونی سیاست خارجی ترکیه قرار داشته است. پویایی‌های ژئوپلیتیکی این منطقه پیامدهای مستقیم و غیر مستقیمی بر منافع ملی ترکیه، نفوذ منطقه‌ای و تعامل گسترده‌تر این کشور در سطح بین‌المللی دارد (Kenjaeva & Baxadirov, 2024:38). البته به جز ترکیه دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل ایران، روسیه، آمریکا و رژیم اسرائیل نیز به دلایل متعددی در حال توسعه نفوذ و شکل دادن به ژئوپلیتیک این منطقه حساس هستند. تهاجم روسیه به اوکراین و تغییرات سیاسی و امنیتی ایجاد شده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بازیگران مهم این منطقه را به بازنگری در اهداف راهبردی خود در منطقه واداشته است.

ترکیه به عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه راهبرد چندوجهی را برای تقویت و توسعه حضور و نفوذ و دستیابی به اهداف خود شامل گسترش سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و توسعه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی برای نشان دادن خود به عنوان یک شریک قابل اعتماد، تأکید بر پان ترکیسم ناشی از راهبرد نو عثمانی‌گرایی و تأکید بر اسلام‌گرایی برای تحت‌تأثیر قرار دادن ملت‌های مسلمان منطقه، پیگیری سیاست کاهش نقش و نفوذ ایران و روسیه در قفقاز، اجرای سیاست بهبود روابط با ارمنستان و تلاش برای نشان دادن خود به عنوان الگوی توسعه و پیشرفت برای کشورهای منطقه به کار بسته است. همچنین بعد از جنگ اوکراین و مناقشه قره‌باغ در الگوی ژئوپلیتیک منطقه تغییرات جدیدی حاصل شده است. در واقع، کمک به شناخت دقیق و واقعی راهبرد جدید و اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی ترکیه در

^۱. geopolitic

^۲. Geostrategic

قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) هدف اصلی پژوهش حاضر است. براین اساس پرسش اصلی پژوهش این است که اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی ترکیه در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید با اهداف سه‌گانه ترکیه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و استراتژیک و نظامی و امنیتی اشاره کرد که با کاربست یک راهبرد چندوجهی به دنبال دستیابی به اهداف مدنظر خود بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه راهبرد چندوجهی خود را برای دستیابی به اهداف اقتصادی (دسترسی به بازار مصرف، سرمایه‌گذاری و تسلط بر خطوط انرژی و تأمین امنیت انرژی)، سیاسی و استراتژیک (گسترش حوزه تأثیرگذاری استراتژیک و ژئوپلیتیک در منطقه و محیط بین‌الملل) و نظامی و امنیتی (تغییر موازنه نظامی و امنیتی منطقه از طریق اعطای کمک به متحدین راهبردی) به کار بسته است. نتیجه این که به دنبال تغییر واقعیت‌های ژئوپلیتیک در قفقاز، ترکیه تلاش می‌کند با کاربست راهبرد چندوجهی ضمن کاهش نقش رقبای روسیه و ایران در منطقه و با پیدا کردن راهی برای بهبود روابط با ارمنستان، وزن ژئوپلیتیک خود را در جهان رو به تغییر و نظم چندقطبی بین‌الملل ارتقاء بخشد. از سوی دیگر ترکیه برای اجرای راهبرد خود در قفقاز جنوبی با چالش‌هایی روبرو است که وضعیت دشواری را برای این کشور ایجاد کرده است. روسیه و ایران به‌عنوان دو قدرت بزرگ منطقه با اهداف و اولویت‌های متنوع و گاه متعارض با ترکیه، ادامه روابط تنش‌آلود با ارمنستان و چگونگی برقراری ثبات و امنیت منطقه‌ای از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که ترکیه با آنها روبه‌رو است. پژوهش حاضر از نظر نوع، کاربردی و توسعه‌ای و از نظر رویکردی توصیفی – تبیینی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش مبنا استفاده شده است که در بخش الگوی تحلیل کاربست نظریه سازه‌نگاری پیشنهاد شده است.

پیشینه پژوهش. پژوهش‌های متنوعی در زمینه موضوع پژوهش حاضر به انجام رسیده

است که می‌توان آنها را در سه دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف. پژوهش‌هایی که به اهداف اقتصادی ترکیه در قفقاز پرداخته‌اند. حسنی و شیرزاد (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی راهبرد انرژی ترکیه در مناطق خزر و خاورمیانه» معتقدند گسترش روابط ترکیه با کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق بر مبنای حجم مبادلات نفتی و گازی، تنوع خطوط انرژی با محوریت ترکیه می‌باشد که این امر، نشان دهنده موفقیت استراتژی انرژی ترکیه است. مشفق (۱۴۰۱) در مقاله «تبعات امنیت اقتصادی روابط ترکیه

با کشورهای قفقاز جنوبی» اشاره می‌کند که ترکیه با در پیش‌گیری الگوی اولویت‌دهی راهبردی در گسترش روابط با جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان، توانسته میزان تجارت محصولات تولیدی و مصرفی خود را با کشورهای منطقه به ارزش حدود ۵/۶ میلیارد دلار توسعه دهد. قادری و بخشی (۱۴۰۱) در مقاله «دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی» معتقدند که ترکیه در دو دهه اخیر با استفاده از پیوندهای فرهنگی و قومی نفوذ اقتصادی خود را در کشورهای آسیای مرکزی گسترش داده و تثبیت کرده است. فرهادی (۱۴۰۰) «طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر ایران» می‌گوید که فرصت‌های طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران داشتن همگرایی‌های فرهنگی - تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک ایران و ترکیه در آسیای مرکزی است؛ لذا دو کشور می‌توانند مواضع همگرایانه‌ای را در منطقه اتخاذ و دنبال نمایند. اوسی^۱ (۲۰۲۱) در مقاله «روابط اجتماعی - اقتصادی قفقاز جنوبی و ترکیه» معتقد است وجود پیوندهای فرهنگی، مذهبی و قومی بین ترکیه و قفقاز باعث تلاش ترکیه برای اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در این منطقه شده است که در نتیجه به استقلال و ثبات سیاسی و اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند.

ب. پژوهش‌هایی که به اهداف سیاسی و استراتژیک ترکیه در قفقاز پرداخته‌اند. خان-محمدی و رئیسی‌نژاد (۱۴۰۲) در مقاله «از نوع‌گرای تا قرن ترکی: تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت جهانی» معتقدند که شکست ترکیه در سیاست‌های خود در خاورمیانه و همچنین تغییر اتحاد‌های داخلی پس از کودتای ۲۰۱۶، منجر به تغییر راهبردها و تلاش ترک‌ها برای حضور در کمربند اوراسیایی مدیترانه شرقی، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی گردیده است. جوفار و محمدی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی تراحم منافع ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز» معتقدند خلاء ایدئولوژیک ناشی از فروپاشی شوروی باعث شد تا ترکیه با حمایت غرب بتواند با طرح نظریه عمق استراتژیک و تأکید بر اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی به دنبال نفوذ و محکم کردن جای پای خود در منطقه قفقاز باشد. درج (۱۴۰۲) در مقاله «مناقشه قره‌باغ و استراتژی ایران و ترکیه» با اشاره به بحران قره‌باغ معتقد است که ترکیه تحت تأثیر راهبرد ترک‌گرایی و اوراسیاگرایی خود و برای نیل به اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود اوضاع در قره‌باغ جنوبی را به نفع باکو تغییر داده است. کنجاوا و باخادиров^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «تحلیل ژئوپلیتیکی اهمیت قفقاز جنوبی برای منافع

^۱. Avci

^۲. Kenjaeva, M., & Baxadirov, M.

ترکیه» معتقدند که ترکیه با درک اهمیت ژئوپلیتیک منطقه از طریق گسترش همکاری‌های توسعه‌ای در امور انرژی، زیرساختی، دفاعی و امنیتی به دنبال تحکیم حضور و نفوذ خود در منطقه قفقاز و شکل دادن به چشم انداز ژئوپلیتیکی منطقه است. یوسیبووا^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «گام‌های اول به سوی اتحاد راهبردی در روابط آذربایجان و ترکیه قبل از جنگ دوم قره‌باغ» معتقد است که با روی کار آمدن علیف تعمیق روابط دو کشور در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب ایجاد درک متقابل و تشکیل یک اتحاد استراتژیک شده است.

ج. پژوهش‌هایی که به اهداف امنیتی و نظامی ترکیه در قفقاز پرداخته‌اند. جعفری‌فر و ابوالحسن شیرازی (۱۴۰۱) در مقاله «سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ از منظر قدرت هوشمند» معتقدند که ترکیه بعد از یک‌صد سال دوری از قفقاز جنوبی به دنبال این است که با نگاه فرصت‌طلبانه و از طریق تقویت قدرت نظامی آذربایجان نفوذ خود را توسعه دهد. رضائی و ثنائیان‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز (بحران قره‌باغ)» معتقدند در بحران قره‌باغ، ناتو و ترکیه به دلیل برخورداری از منافع مشترک در منطقه در کنار یکدیگر قرار گرفته و ناتو در راستای گسترش نفوذ خود در قفقاز به حمایت از مواضع ترکیه پرداخته است. هوسپیان و تونویان^۲ (۲۰۲۴) در مقاله «از اتحاد تا «فتح نرم»: آناتومی اتحاد نظامی ترکیه و آذربایجان قبل و بعد از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ کوهستانی» با اشاره به همکاری نظامی ترکیه برای نوسازی ارتش آذربایجان، معتقد است این مسئله در دگرگونی هویت جامعه آذربایجان مؤثر بوده است. مرور پیشینه فوق‌نشان می‌دهد که موضوع تحولات قفقاز جنوبی یکی از مسائل با اهمیت نزد پژوهشگران علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای است، اما هر یک از این پژوهش‌ها نگاهی موردی به موضوع پژوهش داشته‌اند. هدف پژوهش حاضر اتخاذ رویکردی همه‌جانبه بر اهداف راهبردی ترکیه با توجه به تغییر و تحولات اخیر در قفقاز جنوبی بوده و به همین دلیل این پژوهش دارای نوآوری است. این مقاله با توجه به تغییرات مهم ایجاد شده در منطقه همچون جنگ اوکراین و روسیه، حمله ۷ اکتبر حماس بر علیه تجاوزات و اشغالگری رژیم صهیونیستی، تجاوز رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق و تلاش کشورهای هم‌چون ترکیه، روسیه و آذربایجان برای ایجاد تغییر در مرزهای مشترک (کریدور زنگزور) موضوع را مورد بررسی قرار داده است. این تغییرات یک وضعیت خاص ژئوپلیتیکی را برای منطقه ایجاد کرده که بررسی

^۱. Yusibova

^۲. Hovsepyan & Tonoyan

تحولات آن لحظه به لحظه شده است. از سوی دیگر مقاله حاضر به راهبرد چندوجهی ترکیه اشاره می‌کند که نشان از تغییر سطح وضعیت راهبردی این کشور با توجه به تحولات اخیر منطقه است.

مفاهیم. راهبرد. راهبرد را می‌توان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی در نظر گرفت که ما را به سوی هدف راهنمایی می‌کند. راهبرد هنر و علم توسعه و استفاده از منابع سیاسی، اقتصادی، روانی، اجتماعی و نظامی مورد نیاز در زمان جنگ و صلح برای تأمین حداکثر حمایت از سیاست‌های ملی و در صورت وقوع جنگ، افزایش پیروزی و پیامدهای مساعد آن است (Bowyer, 2018).

راهبرد چندوجهی: با توجه به تغییرات محیط بین‌المللی و ظهور نشانه‌های نظم نوین جهانی مبتنی بر نظم چندوجهی، بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به دنبال اتخاذ راهبرد چندوجهی هستند. بر این اساس، راهبرد چندوجهی تأمین‌کننده حداکثر منافع و امنیت ملی برای پاسخگویی به تهدیدهای متنوع در یک زمان است که اتخاذ آن برای هر بازیگری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی لازم و ضروری است (خبیری، ۱۳۸۲، ص. ۵۶). ترکیه با توجه به تغییرات ایجاد شده در منطقه و بین‌الملل راهبرد چندوجهی خود در عرصه سیاست خارجی را به سه مشخصه زیر در دستور کار قرار داده است: معامله‌گری با هدف کاهش وابستگی‌های امنیتی به آمریکا و اروپا؛ هم‌سویی‌های چندگانه، ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر و همکاری مبتنی بر موضوع و؛ خودمختاری استراتژیک: با هدف جستجوی راهی برای انطباق با تغییر نظام بین‌المللی تک‌قطبی به چندقطبی و توسعه روابط نزدیک‌تر با جهان غیرغربی به‌عنوان مثال روسیه و چین (Aran & Kutlay, 2024: 5). ترکیه با اتخاذ راهبرد چندوجهی به‌دور از راهبردهای سنتی به‌طور هم‌زمان از مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای نیل به اهداف خود در قفقاز جنوبی استفاده می‌کند. این کشور در یک فرایند اثرگذاری شبکه‌ای بین سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان اهداف خود را دنبال می‌کند که فهم آن نسبت به راهبرد سنتی که در قالب دوقطبی‌های شناخته شده در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی مرسوم بود پیچیده و متفاوت است. درعین حال در یک جمع‌بندی کلی می‌توان غلبه ژئواستراتژی و گذار از بازیگری تک‌وجهی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی را مهم‌ترین مشخصه بازیگری چندوجهی جدید در نظر گرفت که ابعاد دیگر را تحت الشعاع قرار داده است. البته این رویکرد نیز در برخی تحلیل‌ها متأثر از تعریف موسع و چندوجهی از امنیت است که در مکاتب جدید ارزیابی شده است (رحیمی، ۱۴۰۲).

سیاست خارجی: سیاست خارجی شامل برنامه‌ها و فعالیت‌های یک کشور در محیط بین‌المللی برای دستیابی به منافع ملی است. بر همین اساس هالستی^۱ سیاست خارجی را به‌عنوان «ابده‌ها یا اعمال طراحی شده از سوی سیاست‌مداران برای حل یک مشکل یا ترویج برخی تغییرات در سیاست‌ها، نگرش‌ها یا اعمال دولت‌ها یا دولت‌های دیگر در بازیگران غیردولتی (مثل گروه‌های تروریستی) در اقتصاد بین‌الملل یا در محیط فیزیکی جهان» تعریف کرده است (Holsti, 1995: 83).

چارچوب نظری. محیط بین‌الملل عرصه رقابت تنگاتنگ بازیگران برای دستیابی به منافع است. این مسئله با توجه به کمبود منابع، همچون رقابتی است که در لایه جنگ‌های شناختی جریان دارد (Backes & Swab, 2019: 27). سازه‌انگاری^۲ یکی از رویکردهای مورد توجه برای بررسی سیاست خارجی و راهبردهای بین‌المللی است. این رویکرد با توجه به این که به تاریخ و اجتماع به‌عنوان عناصر مهم بررسی سیاست جهانی تأکید می‌کند، نسبت به دیگر رویکردهای روابط بین‌الملل مثل رئالیسم^۳ و لیبرالیسم^۴ از قدرت تبیین بیشتری برخوردار است. این مسئله باعث شده است که برخی این نظریه را به دلیل جامعیت‌نگری آن به‌عنوان یک فرانظریه مطرح کنند که در قامت یک نظریه میانه خود را نشان می‌دهد. در حالی که بسیاری از نظریه‌ها به معرفت‌شناسی و مفهوم اهمیت می‌دهند سازه‌انگاری به هست‌ها و واقعیات و هستی‌شناسی اهمیت بیشتری می‌دهد. نظریه‌های سازه‌انگاری در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ عالم سیاست را تحت تأثیر خود قرار دادند.

سازه‌انگاری با به چالش کشیدن خردگرایی، پوزیتیویسم^۵، نئورئالیسم^۶ و نئولیبرالیسم^۷ پا به عرصه سیاست گذاشت. این نظریه ضمن تأکید بر ساخت اجتماعی معتقد است که تمام کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل و معنا می‌یابند و در نتیجه این معنایابی شکل‌دهنده واقعیات جهانی هستند. در این فرایند هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا کرده و شکل‌دهنده روابط بین دولت‌ها در محیط بین‌المللی هستند (Onuf, 2012: 22-157). سازه‌انگاران هم عناصر مادی را در نظر می‌گیرند و هم سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره را به‌عنوان عناصر ایجادکننده

1. Holsti

2. Constructivism

3. Realism

4. Liberalism

5. positivism

6. neo-realism

7. neo-liberalism

یک جهان‌بینی که بر الگوهای تعامل در محیط بین‌المللی مؤثرند اشاره می‌کنند (Ruggie, 2002: 19). در واقع، ویژگی مهم این نظریه توجه و ترکیب مؤلفه‌های مادی و هنجاری و برقراری ارتباط میان سیاست داخلی و سیاست خارجی و در نظر گرفتن مفروضات درونی آن است که دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌المللی می‌داند. در واقع این رویکرد معتقد است که هویت و منافع بازیگران در محیط بین‌المللی که بر اساس تعاملات بین بازیگران شکل می‌گیرد، بر ساخته‌ای است که تأمین‌کننده منافع آنها بوده و بر این اساس هویت دولت‌ها شکل‌دهنده اساس منافع آنها است (Wendt, 1992: 391-398). بر این اساس رفتار دولت‌ها با یکدیگر در محیط بین‌المللی بر سود و زیان صرف استوار نبوده؛ بلکه محصول هویت و جایگاه آن کشور در ساختار بین‌المللی است (March & Olsen, 1998: 951). سازه‌انگاری به سه سطح تحلیل نظری تقسیم می‌شود: نظام محور، داخلی و کل‌نگر. سازه‌انگاری کل‌نگر ضمن رد دوگانگی بین ساختارهای داخلی و بین‌المللی معتقد است که سیاست خارجی هر کشور نتیجه تعامل هویت جمعی و اجتماعی آن است (Reus - Smit, 2001: 221). در واقع هویت جمعی پس از شکل‌گیری در داخل کشور، هویت اجتماعی را در محیط بین‌المللی شکل می‌دهد و در صورت تغییر در هویت جمعی دولت‌ها سعی می‌کنند تا سیاست خارجی خود را بر مبنای هویت جدید شکل‌گرفته تنظیم کنند و این تعامل بین دو سطح از هویت پیوسته در حال تغییر و تحول است به‌طوری که تغییر در یکی موجب تأثیر بر دیگری می‌شود (Bozdaglioglu, 2007: 135).

از آنجائی که دولت‌ها کارگزار هویت جمعی متشکل از ارزش‌ها، هنجارها و منافع مشترک سطوح داخلی و هویت اجتماعی حاصل از تعامل با دیگر بازیگران بین‌المللی هستند، به طور متقابل تحت تأثیر هر دو گونه هویت جمعی و اجتماعی عمل می‌کنند، بنابراین تأثیرگذاری ساختار و کارگزار در روابط بین‌الملل در بطن رویکرد سازه‌انگاری قرار دارد (Kim, 2009: 1-2). از نگاه سازه‌انگاری کشورها در محیط بین‌المللی به دنبال کسب اهداف هویتی خود در قالب منافع ملی هستند. بر این اساس اتحاد، ائتلاف، مشارکت، درگیری و دشمنی تحت تأثیر هویت جمعی یک بازیگر در محیط بین‌المللی است. داوود اوغلو با نگاهی سازه‌انگارانه سیاست خارجی ترکیه را تبیین کرده است. وی با تأکید بر نقش هویت در جهت‌گیری سیاست خارجی می‌گوید که ترکیه نباید به دنبال هژمونی بر مناطق پیرامونی خود باشد، بلکه باید برای ایجاد صلح و ثبات در این مناطق گام بردارد. وی با اشاره به هویت‌های چندگانه ترکیه که متأثر از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور است، معتقد است

ترکیه در سیاست خارجی خود باید بتواند هم زمان با تمام مناطق پیرامون خود تعامل داشته و در آن‌ها حضور داشته باشد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۲۴). ترکیه با هدف قرار دادن راهبرد چندوجهی هویتی جدید را از خود به نمایش گذاشته که راهنمای نیل به اهداف سیاست خارجی این کشور در قفقاز جنوبی است. از سوی دیگر پیوندهای فرهنگی، قومی، تاریخی و نژادی بین ترکیه و کشورهای قفقاز جنوبی به‌عنوان پیشران سازه‌انگارانه راهبرد جدید ترکیه عمل می‌کنند که این کشور را در دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی حمایت می‌کنند. در این راهبرد هویت‌های اسلامی سنی و ترک بودن از جایگاه بالایی برخوردارند. از سوی دیگر ترکیه از سیاست هویتی نوع‌ثمنی‌گری هم در راستای نگاه سازه‌انگارانه به قفقاز جنوبی استفاده می‌کند؛ بنابراین، سازه‌انگاری از طریق خلق، بازسازی و روزآمدی مفاهیم هویت در سیاست خارجی این کشور و همچنین تعیین اولویت‌های هویتی به نقش‌آفرینی در سیاست خارجی ترکیه پرداخته است. ترکیه سعی می‌کند با رویکرد سازه-انگارانه و خلق هنجارهای هویتی محدودیت‌های راهبردی خود را در خاورمیانه رفع نموده و خود را بازیگری فعال و قدرتمند نشان دهد. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد رویکرد سازه‌انگاری از قدرت و توان تبیین مناسبی برای پاسخ به پرسش پژوهش و تبیین اهداف راهبردی ترکیه در قفقاز برخوردار است. سازه‌انگاری ضمن تأکید بر وجوه ارزشی و هنجاری مورد توجه در راهبرد ترکیه و همچنین اشاره به اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی این کشور، شناخت قابل قبولی را از اهداف راهبردی ترکیه در قفقاز ارائه می‌کند.

۱. تاریخچه روابط ترکیه و قفقاز جنوبی

از زمان فروپاشی شوروی، قفقاز جنوبی همواره یک منطقه متلاطم بوده است. مناقشات سرزمینی در آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به‌ویژه در زمان تغییر رژیم، ملت‌سازی، دولت‌سازی و بازسازی نظام اقتصادی از موضوعات چالش‌برانگیز این منطقه بوده است (Ergun & Valiyev, 2024: 189). هم‌زمان با استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، ترکیه اولین کشوری بود که جمهوری تازه استقلال یافته آذربایجان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک خود را با این کشور از ۱۴ ژانویه ۱۹۹۲ برقرار کرد. همچنین ترکیه جزو نخستین کشورهایی بود که استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت؛ اما به دلیل ادعای نسل‌کشی ارمنه توسط عثمانی در جنگ جهانی اول و عدم پذیرش از سوی ترکیه، مناقشات قره‌باغ و اختلافات مرزی آنها تا دو دهه روابط رسمی دیپلماتیک نداشتند (Giragosian, 2009: 3).

روابط ترکیه و گرجستان نیز در سال ۱۹۹۱ آغاز شد و ترکیه نخستین کشوری بود که استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. روابط ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی دوسویه است، از یک سو کشورهای تازه استقلال یافته منطقه به دنبال الگویی برای پیمودن راه رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی بودند و از سوی دیگر ترکیه نیز به واسطه طی مسیر توسعه، موقعیت ژئوپلیتیک و وجود پیوندهای فرهنگی و قومی به دنبال شناساندن خود به عنوان الگوی مناسب توسعه یافتگی برای این کشورها بوده است. حضور آمریکا به عنوان قدرت خارج از منطقه، روسیه به عنوان قدرت نزدیک به منطقه، چین به عنوان قدرت نوظهور جهانی و ایران به عنوان بخشی از تاریخ منطقه قفقاز، ترکیه را بر آن داشته است تا ضمن توسعه نفوذ خود در قفقاز متحدان جدیدی را برای اجرای اهداف راهبردی منطقه‌ای خود جستجو کند. رویکرد ترکیه به قفقاز همواره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و توأم با تعاملات پیچیده، چندجانبه و همراه با چالش‌های متنوع ژئوپلیتیک بوده است. قفقاز در راهبرد امنیت ملی ترکیه از جایگاه محوری برخوردار است و به همین دلیل با روی کار آمدن دولت‌های مختلف در این کشور، این راهبرد تغییرات چندانی نمی‌کند. با ادامه ریاست‌جمهوری اردوغان در ترکیه و وقوع جنگ دوم قره‌باغ میزان توجه ترکیه به این منطقه شدت بیشتری گرفته است. پویایی و تعامل فعال ترکیه در قفقاز با انتخاب هاکان فیدان^۱ رئیس سابق سرویس اطلاعاتی ترکیه نشان از تلاش جدی این کشور برای تثبیت حضور و توسعه نفوذ خود در منطقه قفقاز است. ترکیه سعی می‌کند از طریق حضور و نفوذ گسترده‌تر خود در قفقاز بازتعریف جدیدی از نقش خود در عرصه بین‌المللی را نشان دهد. نقش‌آفرینی ترکیه در قفقاز موجب تقویت ارتباطات عمیق‌تر دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی این کشور با آسیای مرکزی شده و در نهایت، ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و تنوع‌بخشیدن به مشارکت‌ها به نفع این کشور خواهد بود (Scotti, 2023). براین اساس، به چند دلیل مهم منطقه قفقاز نقطه کانونی سیاست خارجی ترکیه بوده و این کشور راهبرد چندوجهی خود را در این منطقه به کار بسته است که عبارت‌اند از:

الف) موقعیت استراتژیک: نزدیکی جغرافیایی ترکیه به قفقاز این کشور را در نقش یک بازیگر مهم در این موقعیت ژئوپلیتیکی قرار داده است. موقعیت استراتژیک قفقاز در تقاطع اروپا، آسیا و خاورمیانه همچون دروازه‌ای است که ترکیه را به بازارهای متنوع، مسیرهای حمل‌ونقل و پیوندهای فرهنگی متصل کرده و جاه‌طلبی‌های این کشور برای تبدیل شدن به

^۱. Fidan

یک قدرت منطقه‌ای، تقویت ارتباطات و توسعه نفوذ در همه حوزه‌های مورد علاقه‌اش را تسهیل می‌کند (Kenjaeva & Baxadirov, 2024: 38)؛ ب) امنیت انرژی: خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان^۱ و خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم^۲ که زیربنای حیاتی شاه‌رگ انرژی ترکیه را تشکیل می‌دهند در این منطقه قرار دارند. این مسئله به ترکیه اجازه می‌دهد علاوه بر متنوع‌سازی منابع انرژی، وابستگی خود به یک تأمین‌کننده انرژی را کاهش دهد. همچنین این کریدور انرژی به ترکیه کمک می‌کند تا به یک قطب انرژی در منطقه تبدیل شود و به اهداف خود در موضوع امنیت انرژی دست پیدا کند (Taspinar, 2014)؛ ج) یکپارچگی تجاری و اقتصادی: از نظر ترکیه قفقاز یک شریک مهم اقتصادی است. این کشور سعی می‌کند از طریق ارتباطات تاریخی و فرهنگی همکاری‌های تجاری و اقتصادی خود را گسترش دهد. همچنین این منطقه بهترین بازار برای کالاها و خدمات ترکیه است و ترکیه به دنبال توسعه نفوذ اقتصادی و ایجاد وابستگی‌های اقتصادی بین خود و کشورهای منطقه است (Kenjaeva & Baxadirov, 2024: 40)؛ د) امنیت و ثبات: با توجه به نزدیکی جغرافیایی ترکیه به منطقه، قفقاز به طور مستقیم بر امنیت ترکیه تأثیرگذار است. مناقشه قره‌باغ کوهستانی یکی از موضوعات مورد توجه ترکیه است. براین اساس ترکیه سعی می‌کند با کمک به ارتقای ثبات، حل مناقشات و توسعه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در قفقاز، جلوی سرریز بی‌ثباتی و ناامنی در مرزهای خودش را بگیرد و منطقه را به محیط مناسب برای تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک تبدیل کند (Khutsishvili et. al, 2016)؛ ه) قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی: ترکیه ضمن به رسمیت‌شناختن پیوندهای، تاریخی، فرهنگی و قومی خود با کشورهای منطقه، سعی می‌کند با استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی روابط خود را با دولت و ملت‌های منطقه تعمیق بخشد. این مسئله ضمن کمک به توسعه نفوذ فرهنگی این کشور به اهداف سیاست خارجی آن در منطقه نیز کمک می‌کند؛ و

و) مشارکت‌های استراتژیک: ترکیه با درک اهمیت ژئوپلیتیکی این روابط، مشارکت‌های استراتژیک خود را با کشورهای آذربایجان و گرجستان فعالانه گسترش داده است. این مشارکت‌ها شامل همکاری در حوزه‌های انرژی، دفاعی، امنیتی، ابتکارات دیپلماتیک، توسعه زیرساختی و اقتصادی است که موجب پیشبرد منافع استراتژیک ترکیه و ارتقای جایگاه این کشور به عنوان یک بازیگر کلیدی در شکل‌دهی به چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه شده است (Kenjaeva & Baxadirov, 2024: 43).

^۱. BTC

^۲. BTE

براین اساس، در ادامه به تبیین اهداف راهبردی ترکیه در قفقاز در سه محور مهم اقتصادی، سیاسی و استراتژیک و امنیتی و نظامی می‌پردازیم.

۲. اهداف اقتصادی ترکیه در قفقاز

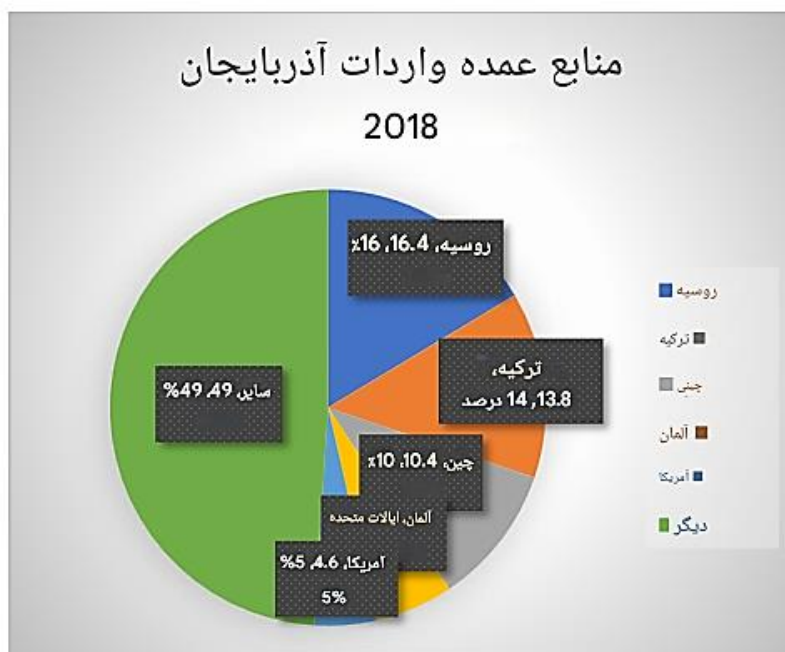
آذربایجان. آذربایجان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه قفقاز، با دارا بودن ذخایر اثبات شده هفت میلیاردی نفت و ۳۵ تریلیون فوت مکعب ذخایر گازی اثبات شده (EIA, 2015) از جایگاه مهمی در راهبرد اقتصادی ترکیه برخوردار است. این کشور ۸۰ درصد از نفت خود را از طریق ترکیه صادر می‌کند. از نظر ترکیه ذخایر انرژی آذربایجان برای تنوع بخشیدن به منابع و امنیت انرژی ترکیه دارای اهمیت استراتژیک است. همچنین ترانزیت منابع انرژی آذربایجان به بازارهای اروپایی ضمن ایجاد درآمدهای سرشار اقتصادی نقش مهم ترکیه به عنوان یک مرکز انرژی منطقه‌ای و بین‌المللی را برجسته کرده است (Frappi, 2017: 122). طرح خط لوله گاز طبیعی ترانس - آناتولی (تاناپ^۱) هزینه هفت میلیارد دلاری و خط لوله قفقاز جنوبی و خط لوله ترانس - آدریاتیک (تاپ^۲) تشکیل دهنده بخش مهمی از کریدور گاز جنوبی هستند که مجموع سرمایه‌گذاری در این بخش تا سال‌های آتی به ۴۰ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. کریدور گاز جنوبی که ۳۵۰۰ کیلومتر از سواحل باکو تا ایتالیا توسعه یافته سالانه ظرفیت انتقال ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز را دارد که ده میلیارد متر مکعب آن انتقال گاز به اروپا می‌باشد (مشفق، ۱۴۰۱، ص. ۷۵). همچنین حجم مبادلات تجاری دو کشور در ۲۰۱۹ به چهار میلیارد دلار رسیده که سهم صادرات ترکیه به آذربایجان ۱/۶ و واردات از این کشور ۲/۵۵ میلیارد دلار بوده است.

جدول تراز سرمایه‌گذاری‌های متقابل دو کشور نشان می‌دهد که سهم سرمایه‌گذاری آذربایجان در ترکیه دوبرابر است و تا پایان سال ۲۰۱۹ به رقم ۱۹/۵ میلیارد دلار رسیده است (کاکایی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۰۹، به نقل از Evisa, 2020). تأمین زیرساخت‌ها، مواد اولیه و نیازهای صنعتی به دلیل اقتصاد بازار آزاد آذربایجان موجب افزایش حضور شرکت‌های ترکی در این کشور شده است. فناوری اطلاعات، غذا، تولید، ساخت و ساز، بهداشت و نساجی از مواردی هستند که مورد توجه سرمایه‌گذاران ترک قرار گرفته است (Avcı, 2021: 201).

^۱. Trans Anatolian Natural Gas Pipeline Project

^۲. Trans Adriatic Pipeline

نمودار شماره ۱. منابع واردات آذربایجان



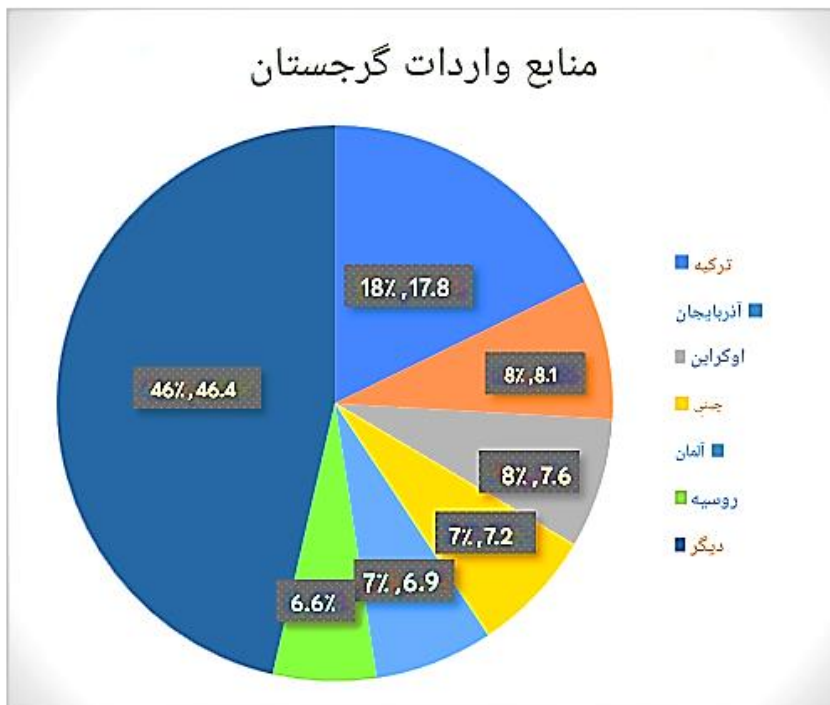
(Source: Avci, 2021: 201)

ارمنستان. ارمنستان و ترکیه منافع زیادی در برقراری روابط اقتصادی دارند؛ اما مسائل سیاسی تاکنون جلوی توسعه این روابط را گرفته است. هدف ترکیه دسترسی مستقیم به بازار منطقه قفقاز از طریق ارمنستان است. همچنین می‌تواند از تأثیر اقدامات دیاسپورای ارمنی‌ها علیه خود در سراسر جهان بکاهد. از سوی دیگر ترکیه برای ارمنستان دارای اهمیت ژئوپلیتیک است که می‌تواند این کشور را به اروپا متصل کند و وابستگی فزاینده آن به روسیه را کاهش دهد (احمدی، ۱۴۰۰). مهم‌تر این که، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان ترکیه و ارمنستان موافق گسترش روابط تجاری و اقتصادی بین دو کشور هستند (Kentel & Poghosyan, 2006: 59). در مجموع گسترش روابط اقتصادی دو کشور پیامدهای مثبت زیر را در پی خواهد داشت: الف) اتصال ارمنستان به دریای مدیترانه با کوتاه‌ترین مسیر؛ ب) کوتاه شدن مسیرهای حمل نقل و در نتیجه کاهش قیمت نهایی برای مصرف‌کننده؛ ج) ایجاد فرصت‌هایی برای تولیدات کشاورزی و کالاهای ارزان‌قیمت و باکیفیت؛ د. ارزان شدن کالاهای وارداتی؛ ه) ایجاد فضای رقابت سالم در ارمنستان؛ و) کاهش

ریسک منازعات خارجی و؛ ز) شتاب گرفتن اقتصاد ارمنستان در صورت بازگشایی مرزها (Torosian & Others, 2012: 1).

گرجستان. ترکیه از نظر همکاری نزدیک‌ترین همسایه گرجستان است. جریان تجارت بین دو کشور به شدت آزاد شده و شرکت‌های هر دو طرف اجازه دارند به مقررات کمی فعالیت کنند. علاوه بر این ترکیه به‌عنوان صادرکننده برتر و سرمایه‌گذار روبه‌توسعه در بازار گرجستان شناخته شده است (Yurdakal, 2021). روابط اقتصادی ترکیه و گرجستان همواره رو به گسترش بوده است، به طوری که حجم روابط اقتصادی دو کشور در سال ۲۰۲۲ به عدد ۲/۸ میلیارد دلار رسیده که نشان از هدف‌گذاری بلند مدت ترکیه برای توسعه این روابط است. از نگاه دو کشور گسترش روابط اقتصادی موجب توسعه رفاه برای دو ملت و توسعه متقابل دو کشور است و ترکیه نقش مهمی را در حفظ ثبات گرجستان از طریق روابط اقتصادی ایفا می‌کند (Scotti, 2023). روابط اقتصادی رو به گسترش دو کشور باعث قرار گرفتن ترکیه در جایگاه دوم شریک تجاری گرجستان پس از روسیه است. کتقابلا ترکیه فعالانه از تلاش گرجستان در جهت همگرایی یورو - آتلانتیک حمایت می‌کند و در جایگاه نزدیکترین شریک این کشور در منطقه قرار گرفته است (Şeker, 2024: 1163). توافق مهمی بین گرجستان و ترکیه در مورد خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیپهان انجام شد که از سال ۲۰۰۶ به بهره‌برداری رسید. همچنین با پروژه راه‌آهن باکو - تفلیس - قارص که در سال ۲۰۱۷ منعقد شد، برنامه‌ریزی شده که تا سال ۲۰۲۳ به میزان سه میلیون نفر مسافر و هفده میلیون تن بار جابه‌جا شود. همچنین ترکیه در صدر کشورهای صادرکننده به گرجستان قرار دارد (شکل ۱). میزان صادرات ترکیه به گرجستان در سال ۲۰۱۹ به میزان ۱/۴۲ میلیون دلار بوده که در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۰ با ۱۳ درصد افزایش به ۳۶۱ میلیون دلار رسیده است (Avcı, 2021: 199).

نمودار شماره ۲. منابع واردات گرجستان



(Source: Avci, 2021: 199)

جدول شماره ۱. میزان صادرات ترکیه به کشورهای ترک (۲۰۲۰ - ۲۰۰۹)

| کشور | ۲۰۲۰ | | ۲۰۰۹ | |
|-----------|-----------|-----------|---------|-----------|
| | واردات | صادرات | واردات | صادرات |
| آذربایجان | ۴۱۰.۷۱۰ | ۲۰۸۵.۵۷۴ | ۱۴۰.۵۹۹ | ۱.۴۰۰.۴۴۶ |
| قزاقستان | ۱.۱۸۰.۵۴۹ | ۹۸۵.۶۸۴ | ۹۵۹.۴۵۴ | ۶۳۳.۴۱۷ |
| قرقیزستان | ۹۱.۱۵۸ | ۴۱۷.۵۴۶ | ۳۱.۴۴۶ | ۱.۴۰۰.۰۰۲ |
| ترکمنستان | ۳۱۹.۳۸۶ | ۷۸۶.۹۶۵ | ۳۲۷.۵۵۹ | ۹۴۵.۶۵۵ |
| ازبکستان | ۹۶۹.۹۸۳ | ۱.۱۵۴.۳۳۴ | ۴۱۳.۰۷۸ | ۲۷۹.۹۶۳ |

(Source: World Bank, 2023)

جدول شماره ۲. میزان صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی (۲۰۲۰)

| ردیف | کشور | ارزش صادرات ترکیه (میلیارد دلار) | مجموع ارزش واردات (میلیارد دلار) | سهم ترکیه (درصد) |
|------|-----------|----------------------------------|----------------------------------|------------------|
| ۱ | آذربایجان | ۱/۵ | ۱۰/۷ | ۱۴/۵ |
| ۲ | گرجستان | ۱/۲ | ۶/۱ | ۲۰ |
| ۳ | ارمنستان | ۰/۲۲۹ | ۴/۵ | ۵ |

(منبع: هاشمی، ۱۴۰۰: ۷۲)

جدول شماره ۳. میزان واردات ترکیه از کشورهای قفقاز جنوبی (۲۰۲۰)

| ردیف | کشور | ارزش (میلیارد دلار) | مجموع ارزش کل صادرات (میلیارد دلار) | سهم (درصد) |
|------|-----------|---------------------|-------------------------------------|------------|
| ۱ | آذربایجان | ۲/۵ | ۱۳/۷ | ۱۸/۹ |
| ۲ | گرجستان | ۰/۱۷۹ | ۲/۵ | ۷ |
| ۳ | ارمنستان | ۰/۰۰۰۴۸۰ | ۲/۵ | ۰/۰۱ |

(منبع: هاشمی، ۱۴۰۰: ۷۳)

۳. اهداف سیاسی و استراتژیک ترکیه در قفقاز

آذربایجان. ترکیه به طور جد به دنبال تقویت موقعیت آذربایجان به عنوان قدرت برتر قفقاز جنوبی است، زیرا به عقیده رهبران این کشور تا زمانی که این اتفاق نیفتد جایگاه و وزن ژئوپلیتیک ترکیه نیز در منطقه افزایش نخواهد یافت (درج، ۱۴۰۲، ص. ۴۶). آذربایجان سیاست خارجی نسبتاً مستقلی را در پیش گرفته است و به دنبال ایجاد توازن با هدف حفظ روابط با روسیه و ترکیه بدون وابستگی بیش از حد به آنها می باشد. پیامدهای جنگ باعث شد که آذربایجان سیاست خارجی فعال تری اتخاذ کند که مشخصات آن عبارتند از: رابطه نزدیک تر با روسیه، ایجاد اتحاد با ترکیه، افزایش تقابل با جمهوری اسلامی ایران، تقویت همکاری نظامی نزدیک تر با رژیم اسرائیل، پیشبرد همکاری نظامی با اتحادیه اروپا و تقویت موقعیت آذربایجان از طریق پروژه های زیربنایی (Ayar & Arslan, 2023: 103-110). جنگ روسیه و اوکراین که منجر به کاهش توجه روسیه به قفقاز شده، ترکیه را بر آن داشته است تا نسبت به تثبیت حضور خود در منطقه و به چالش کشیدن روسیه تلاش مضاعفی را به کار گیرد. بر همین اساس، اردوغان چند روز پس از انتخاب مجدد به عنوان رئیس جمهور ترکیه در یک اقدام نمادین به آذربایجان سفر کرد، در حالی که قبرس شمالی در راهبرد سیاست خارجی ترکیه دارای اولویت است. اولویت یافتن آذربایجان نشان از ارتقاء جایگاه استراتژیک

این کشور در راهبرد ترکیه می‌باشد. دو کشور دارای پیوندهای مشترک تاریخی، فرهنگی و قومی هستند و به همین دلیل در جنگ دوم قره‌باغ ترکیه قدرتمندانه از آذربایجان حمایت سیاسی و نظامی کرد. همچنین در جریان بسته شدن کریدور لاپچین نیز ترکیه از اقدامات آذربایجان حمایت کرده است (Scotti, 2023). توافقنامه مشارکت استراتژیک و حمایت متقابل در سال ۲۰۱۰ زیربنای محکمی برای نفی سلطه روسیه بر آذربایجان و تعهد ترکیه به حفاظت از حاکمیت این کشور ایجاد کرده است (Jović-Lazić, 2022: 35). در واقع، حمایت‌های سیاسی و نظامی سخاوتمندانه ترکیه از آذربایجان موجب تقویت موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در قفقاز جنوبی شده است (Muradov, 2020). کمک‌های نظامی – فنی ترکیه به سطح نظامی – استراتژیک ارتقاء پیدا کرده و آذربایجان به کمک ترکیه به مدرن سازی نیروهای نظامی خود مشغول است.

ارمنستان. وجود مرز زمینی مشترک میان ترکیه و ارمنستان نشان از اهمیت راهبردی این کشور در راهبرد چندجانبه ترکیه دارد. اگر چه دو کشور همسایه و هم‌مرز هستند؛ اما به لحاظ فضای ذهنی بسیار از هم دور هستند. در نگاه مردم ارمنستان، ترکیه یک همسایه دور است (Casey, 1993: 53). دوری ارمنستان از ترکیه و آذربایجان موجب وابستگی هر چه بیشتر این کشور به روسیه شده است و این مسئله مطلوب غرب نیست و آنها تلاش می‌کنند هر چه بیشتر از نفوذ روسیه بر ارمنستان بکاهند. حتی اختلافات مرزی این کشور با گرجستان نیز باعث شده تا ارمنستان با گرجستان هم روابط مثبتی نداشته باشد؛ بنابراین، ارمنستان محصور در خشکی و منزوی به دنبال راه‌حلی برای بازگشت به ترتیبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه است تا ضمن بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی وابستگی شدید خود به روسیه را کاهش دهد. اما دخالت ترکیه در جنگ به نفع آذربایجان ارمنستان را در یک شوک فروبرد و واقعیت همسایه‌ای به نام ترکیه را برای آنها ملموس کرد (Papazian, 2024: 322). ترکیه از سوی اتحادیه اروپا برای ترمیم روابط با ارمنستان تحت فشار است. همچنین بسیاری از مردم ساکن در شهرهای مرزی مانند قارص نیز به دلایل اقتصادی موافق باز شدن مرز هستند (Papazian, 2023: 16). از سوی دیگر، به سه دلیل مهم ترکیه تمایل دارد به بن‌بست ایجاد شده در روابط با ارمنستان پایان دهد: الف) عادی سازی روابط با ایروان موجب ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ترکیه در قفقاز خواهد شد؛ ب) به روند راکد الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا کمک خواهد کرد؛ و ج) روابط ترکیه با آمریکا را بهبود خواهد بخشید (Torbakov, 2010: 32).

نگاه عمل‌گرایانه ترکیه به ایجاد روابط مثبت با ارمنستان و بازگشایی مرزها است؛ اما این روابط تحت تأثیر ادعای نسل‌کشی ارمنه توسط دولت عثمانی از سوی ارمنستان تناقض‌آمیز بوده است. این مسئله همواره مورد مخالفت احزاب و گروه‌های قوم‌گرای داخلی بوده و دولت ترکیه تحت فشار این گروه‌ها نتوانسته است این مسئله را سامان دهد (توماچ و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۳۷). از سوی دیگر، بحران قره‌باغ و حمایت سیاسی و نظامی ترکیه از آذربایجان، اختلاف میان ترکیه و ارمنستان را عمیق‌تر کرده است. در استراتژی امنیت ملی ارمنستان قطع روابط سیاسی با آذربایجان و ترکیه به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی و منطقه یاد شده است (Markarov et. al., 2016: 111–113). ارمنستان به دنبال کاهش نفوذ روسیه از طریق جلب حمایت خارجی در درگیری خود با آذربایجان و بررسی فرصت‌هایی برای گنجاندن در مسیرهای ترانزیتی جدید است. بر این اساس، ایروان به دنبال ارتبات نزدیک‌تر با بازیگران غربی، ایران و هند بوده است (Ayar & Arslan, 2023: 103). ترکیه با توجه به سیات خارجی عمل‌گرایانه خود به دنبال عادی‌سازی رابطه سیاسی با ارمنستان است اما همچنان این مسئله را منوط به حل شدن مناقشه قره‌باغ می‌داند، چرا که افکار عمومی ترکیه مخالف گشودن مرزها بدون حل مناقشه قره‌باغ است (بصیری و خیری، ۱۳۹۶: ۴۷). ترکیه مصمم به حل مناقشه قره‌باغ و برقراری صلح است زیرا این مناقشه از یک سو مانعی برای حضور ترکیه در ارمنستان است و از سوی دیگر حضور ترکیه در دیگر مناطق قفقاز و ادغام آن مناطق با ترکیه را هم با مشکل مواجه کرده و در واقع ارمنستان همانند یک منطقه حایل عمل کرده است (Burak Gonca, 2016: 3).

گرجستان. گرجستان همچنان ادعای خود در مورد آبخازیا^۱ و اوستیای جنوبی^۲ را حفظ کرده است، اما در موضوع درگیری‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از خصومت با روسیه ضمن در پیش گرفتن یک استراتژی محتاطانه و دقیق از تشدید تنش‌ها و تبدیل شدن این کشور به یک جبهه درگیری جدید بین غرب و روسیه اجتناب می‌کند (Ayar & Arslan, 2023: 103). ترکیه با توجه به اینکه یکی از اعضای ناتو و یک عضو قدرتمند منطقه محسوب می‌شود همواره مورد توجه نگاه استراتژیک گرجستان بوده است. گرجستان با توجه به نفوذ همسایه قدرتمند خود یعنی روسیه به دنبال نزدیک شدن به ترکیه برای متنوع‌سازی منابع تأمین امنیت خویش است. از سوی دیگر حمایت قاطع ترکیه برای پیوستن گرجستان به ناتو نشان‌دهنده روی دیگر سکه اهمیت روابط سیاسی و استراتژیک دو کشور است

^۱. Abkhazia

^۲. South Ossetia

(Scotti, 2023). برای گرجستان ترکیه به‌عنوان «دروازه‌ای به غرب» و بازیگری متعادل‌کننده در سیاست‌های منطقه‌ای است، اما همواره نگران روابط رو به رشد ترکیه و روسیه و همچنین بدتر شدن روابط آنکارا با کشورهای غربی که موجب انزوای گرجستان می‌شود بوده است (Ayar & Arslan, 2023: 114).

سازمان کشورهای ترک^۱. پس از استقلال جمهوری‌های ترک‌نشین شوروی سابق، اولین اجلاس این سازمان با حضور سران کشورهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکیه و ترکمنستان در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد و شروع به کار نمود (Erol & Çelik, 2017: 20). هدف این سازمان بهره‌گیری از توان اعضا برای توسعه موضوعات اقتصادی، فرهنگی، گردشگری، گمرکی و حمل و نقل می‌باشد و در اجلاس سال ۲۰۲۲ ایده ادغام و چشم‌انداز جهان ترک ۲۰۴۰ مورد تأکید قرار گرفت (OTS, 2023). در واقع، این سازمان به دنبال ترویج همکاری‌های اقتصادی و سیاسی از طریق قرابت فرهنگی و ایجاد یک هویت مشترک جدید برای مقابله با نفوذ طولانی مدت روسیه در این منطقه بوده که بعداً تلاش‌هایی برای ایجاد یک ساخت اجتماعی از طریق هویت‌های مشابهی مانند «ترک بودن»، «دنیای ترک» و «همکاری ترک» انجام شده است. تأکید اردوغان با اشاره به رویکرد اسماعیل گاسپیرالی یکی از ایدئولوژیست‌های بنیانگذار ناسیونالیسم ترک به «وحدت در زبان، اندیشه و کار» این سؤال را مطرح کرده است که آیا نقش رهبری ترکیه در این سازمان به معنای تغییر محور سیاست خارجی این کشور از غرب به اوراسیاست یا خیر؟ (Devonshire-Ellis, 2021)، زیرا این مسئله موجب ایجاد نگرانی در کشورهای مثل چین و روسیه شده است که دارای یک اقلیت ترک نشین هستند (Akçay, 2022.; Chan, 2021).

ترکیه با ساختار دولتی نهادینه شده خود که برای قرن‌ها وجود داشته است به طور طبیعی خود را رهبر کمربند ترک در اوراسیا می‌بیند. این کشور یکی از اولین کشورهای بود که استقلال جمهوری‌های ترک را به رسمیت شناخت و بیشترین حمایت را از آنها کرد (Aras, 2000: 45). این مسئله نشان می‌دهد که بهبود رابط با جهان ترک از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه برای بیش از سی سال بوده است (TIKA, 2023). مهم‌ترین انگیزه سیاسی ترکیه برای سازمان کشورهای ترک، توسعه نفوذ منطقه‌ای و جهانی است که می‌تواند از طریق این سازمان یک جهت‌گیری جدید و قوی را در چشم‌انداز سیاست خارجی خود ایجاد کند (Laruelle & Peyrouse, 2013: 75-80). همچنین در مقابل نفوذ فزاینده سیاسی و

^۱. OTS

اقتصادی روسیه و چین در منطقه قفقاز، ترکیه دارای ضعف است و نمی‌تواند به مبارزه با آن‌ها برخیزد، بر این اساس، از توان سازمان کشورهای ترک به عنوان جایگزینی مکمل برای نفوذ غرب و هم به عنوان یک بازیگر متعادل کننده در برابر روسیه و چین در حوزه سیاست خارجی استفاده می‌کند (Gökçelik, 2022.; Samar & Ademoğlu, 2022). انگیزه‌های اقتصادی ترکیه نیز بیشتر بر تجارت متقابل و انرژی متمرکز است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۱)، افزایش روابط تجاری ترکیه با جمهوری‌هی ترک در بازه زمانی ۲۰۲۰ - ۲۰۰۹ برای آینده روابط اقتصادی امیدوار کننده بوده است. همچنین ترکیه قصد دارد یک مسیر ترانزیتی ترکی از شرق به غرب به منظور تسهیل حمل و نقل بار بین اعضا و ایجاد یک خط تجاری بدون وقفه بین بازارهای بین‌المللی و کشورهای آسیای میانه ایجاد کند که سازمان کشورهای ترک در مرکز آن قرار دارد. این مسئله با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک ترکیه در داخل پروژه، به معنای مزایای اقتصادی و سیاسی بیشتر برای آنکارا است (Toprak, 2020: 24-26). در حوزه انرژی هم ترکیه دو انگیزه اصلی را دنبال می‌کند: اول آن که، ترکیه که ۹۲/۸ درصد از نظر انرژی به کشورهای خارجی وابسته است (Yalçın & Doğan, 2023: 207) مایل است انرژی مورد نیاز خود را از منابع غنی و متنوع کشورهای عضو دارای منابع طبیعی مثل نفت، گاز و اورانیوم تأمین کند، دوم آن که، مانند خط لوله باکو - تفلیس - جیهان و خط لوله ترنس - آناتولی به یک پایگاه مهم ترانزیت انرژی برای انتقال انرژی به کشورهای بازار اروپایی عمل کند (Yiğitgüden, 2023).

۴. اهداف امنیتی و نظامی ترکیه در قفقاز

آذربایجان. مشغول شدن روسیه به جنگ در اوکراین و حضور انفعالی این کشور در قفقاز جنوبی، موجب ایجاد یک خلاء امنیتی شده است. براین اساس موازنه قوا به نفع پیوند آذربایجان - ترکیه تغییر کرده و واقعیت ژئوپلیتیکی جدیدی را ایجاد نموده است (Ambrosetti et. al., 2023: 18). در جریان جنگ دوم، قره‌باغ ترکیه علاوه بر حمایت نظامی از آذربایجان به لحاظ امنیتی نیز با ارسال افسران نظامی خود برای حفاظت از عدم نقض توافق‌نامه آتش‌بس نقش فعالی را ایفا کرد، به طوری که موجب برجسته شدن نقش فعال ترکیه در امنیت قفقاز جنوبی در کنار روسیه شده است (Scotti, 2023). در طول این جنگ ترکیه پهپادهای پیشرفته خود را به آذربایجان عرضه کرد، نیروهای آنها را آموزش داد، حضور نظامی خود را از طریق مأموریت حافظ صلح (همراه با روس‌ها) در مناطق درگیری مستقر کرد و یک معاهده جامع اتحاد استراتژیک را با آذربایجان امضاء نمود (Avdaliani, 2023).

ارمنستان. دیدگاه امنیتی دو کشور نسبت به ترتیبات امنیتی و نظامی منطقه کاملاً متفاوت است. در حالی که ترکیه به دنبال کاهش نفوذ غرب و روسیه بر ارمنستان است، ارمنستان در پروسه امنیتی غرب قرار گرفته و سعی می‌کند در روابط بین روسیه و غرب نوعی تعادل و موازنه برقرار کند. از سوی دیگر، روسیه نیز سعی می‌کند نفوذ خود را همچنان حفظ کند. هر چه قدر روابط سیاسی و امنیتی ترکیه و ارمنستان گسترش پیدا کند برای اهداف دو کشور مناسب‌تر است. نزدیکی ارمنستان به ترکیه موجب کاهش نگرانی‌های امنیتی و وابستگی این کشور به روسیه و بازیابی قدرت سنتی این کشور در قفقاز خواهد بود. به همین دلیل است که آمریکا با فشار بر ترکیه خواهان بازگشایی مرزهای دو کشور و گسترش روابط با ارمنستان است تا از نفوذ روسیه بکاهد (Petros, 2003). جنگ اوکراین و عدم دخالت جدی روسیه در مناقشه قره‌باغ موجب فاصله‌گرفتن ارمنستان از این کشور شد، به طوری که نخست‌وزیر ارمنستان ضمن خودداری از شرکت در نشست سران سازمان پیمان امنیت جمعی در نوامبر ۲۰۲۳ در مینسک، اعلام کرد که ممکن است این کشور از پیمان امنیت جمعی خارج شود.

گرجستان. روابط نظامی دو کشور رو به گسترش است. ارتش گرجستان از ترکیه آموزش و تجهیزات دریافت کرده و دو کشور تمرینات نظامی مشترک شرکت کرده‌اند. همچنین ترکیه در تلاش‌هایی برای ارتقاء قابلیت‌های دفاعی گرجستان در رویدادهایی مانند مرکز آموزش و ارزیابی مشترک ناتو و گرجستان شرکت کرده است. همچنین ترکیه از طریق ارائه کمک‌های نظامی، تسهیل انجام مانورهای نظامی مشترک و تبادل اطلاعات با گرجستان کمک قابل توجهی به پیشرفت عضویت گرجستان در ناتو کرده است (Şeker, 2024: 1164).

۵. چالش‌های ترکیه در قفقاز جنوبی

قفقاز جنوبی در راهبرد سیاست خارجی ترکیه جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است و ترکیه این منطقه را دروازه‌ای برای ورود به آسیای مرکزی می‌داند؛ اما این منطقه به لحاظ امنیتی می‌تواند چالش‌هایی را برای این کشور ایجاد کند. مشکلات و درگیری‌ها در این منطقه به‌ویژه روابط بد با ارمنستان که به‌عنوان شریک بزرگ روسیه در منطقه است، چالش بزرگی را برای ترکیه رقم زده است. همچنین تلاش روسیه برای گذر خطوط لوله‌های اصلی انرژی از آن کشور در مقابل تلاش‌های ترکیه برای تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه مسئله‌ای چالشی خواهد بود. (Guliyeva, 2024: 170-174)؛ بنابراین، امنیت بخشی و ثبات به

قفقاز جنوبی بزرگ‌ترین چالش ترکیه است. از سوی دیگر، ترکیه به دنبال راهبرد خودمختاری استراتژیک در منطقه است و به همین دلیل، روابط پرچالشی را برای مدیریت منطقه با آمریکا دارد. مثلاً ترکیه برای تعادل در روابط خود اقدام به خرید سامانه اس - ۴۰۰ از روسیه نمود که با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد (Martin, 2024: 2). تشدید بحران قره‌باغ هم می‌تواند ترکیه را درگیر چالش کند که یکی از آنها سرریز بالقوه اثرات بحران در گرجستان، متحد ایالات متحده است که در آموزش ناتو و مأموریت‌های جنگی در چندین سال حضور دارد. همچنین اختلال در جریان انرژی و احتمال مداخله ایالات متحده و ایران نیز به این چالش اضافه می‌شود (Chausovsky, 2020). ترکیه تمایل دارد همچنان روابط تجاری و امنیتی خود را با دو قدرت بزرگ منطقه یعنی ایران و روسیه حفظ کند و برای این موضوع به دنبال کاهش تنش‌ها و تعادل بخشی در راهبرد خود است. این دو قدرت همچنان به‌عنوان چالش‌های بزرگ ترکیه در قفقاز حضور خواهند داشت و حاضر نخواهند شد حضور بیشتر ترکیه در منطقه به محدودیت حضور آنها منجر شود و در نتیجه ترکیه ناچار است با احتیاط و واقع‌نگری به ایفای نقش خود ادامه دهد.

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف مهم راهبرد سیاست خارجی ترکیه اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل و توجه به مناطق پیرامونی است. این کشور با توجه به نقش منطقه‌ای خود به دنبال بازنگری در راهبرد خود و اتخاذ یک راهبرد چندوجهی معطوف به دستیابی اهداف خود در قفقاز جنوبی بعد از تغییرات بزرگ این منطقه مهم بوده است. اهداف ترکیه را می‌توان در سه محور اقتصادی، سیاسی و استراتژیک و امنیتی و نظامی تقسیم‌بندی نمود. گسترش سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و توسعه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی برای نشان دادن خود به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد، تأکید بر پان‌ترکیسم ناشی از راهبرد نوع‌ثمنی‌گرایی و تأکید بر اسلام‌گرایی برای تحت‌تأثیر قراردادن ملت‌های مسلمان منطقه، پیگیری سیاست کاهش نقش و نفوذ ایران و روسیه در قفقاز، اجرای سیاست بهبود روابط با ارمنستان و تلاش برای نشان دادن خود به‌عنوان الگوی توسعه و پیشرفت برای کشورهای منطقه از اهداف ترکیه در اجرای راهبرد چندوجهی خود در قفقاز است. ترکیه با استفاده از آذربایجان در قفقاز جنوبی به‌عنوان دروازه، در حال گسترش نفوذ خود به کشورهای ترک‌زبان در آسیای مرکزی در سمت شرقی دریای خزر است. روابط دو کشور مبتنی بر فرهنگ و تاریخ مشترک و معطوف

به یک اتحاد استراتژیک برای تأثیرگذاری بر آینده منطقه است. روابط ترکیه و گرجستان نیز راهبردی و رو به گسترش است. ترکیه برای گرجستان همانند دروازه‌ای به غرب محسوب می‌شود و از حمایت سیاسی این کشور برای پیوستن به ناتو برخوردار است. اما روابط ترکیه و ارمنستان با توجه به حمایت ترکیه از آذربایجان در جنگ قره‌باغ همچنان مسدود است. ارمنستان در روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی و امنیتی همچنان به غرب و روسیه وابسته است و ترکیه سعی می‌کند با مذاکره برای برقراری روابط ضمن کاهش نفوذ غرب و روسیه از مزایای اقتصادی و سیاسی آن برخوردار شود. ترکیه سعی کرده است به دور از هر گونه تنش جدید و با گسترش و تعمیق همکاری‌های اقتصادی دو و چندجانبه به اهداف راهبردی خود دست یابد. مهم‌ترین هدف راهبرد چندجانبه ترکیه ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت در سطح بین‌المللی است. این مسئله موجب تقویت جایگاه و توان ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا خواهد بود.

منابع و مأخذ

فارسی

- احمدی، اعظم. (۱۴۰۰)، **رویکرد سیاسی و اقتصادی ترکیه در قبال ارمنستان**، قابل دسترسی در: <https://www.aa.com.tr/fa>
- اکبری؛ محمدحسین، امیرمسعود شهرام‌نیا و سعید وثوقی (۱۴۰۰)، **الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران؛ برآیندی از سازه‌های هویتی، دانش سیاسی** ۱۱۷(۱)، ۱ - ۲۶.
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، **عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، روابط خارجی** ۳(۱۱)، ۲۶۷ - ۲۳۱.
- بصیری، محمدعلی و مصطفی خیری (۱۳۹۶)، **زمینه‌های واگرایی در روابط ترکیه و ارمنستان، مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۱۰(۱)، ۳۵ - ۵۲.
- توماج، امیرشیر و دیگران. (۱۳۹۹)، **ژئوپلیتیک و ژئوکالچر: اهداف سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه در قفقاز جنوبی، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ۳(۱)، ۳۳۰ - ۳۴۶.
- جعفری‌فر، احسان و حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی (۱۴۰۱)، **سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ از منظر قدرت هوشمند، پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، ۱۲(۴)، ۲۴۵ - ۲۷۱.
- جوفار، محمدرضا و حمیدرضا محمدی (۱۴۰۲)، **بررسی تزامم منافع ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه جغرافیا** ۲۱(۷۸)، ۱۰۷ - ۹۳.

- حسینی، رضا و حمیدرضا شیرزاد (۱۴۰۱)، بررسی راهبرد انرژی ترکیه در مناطق خزر و خاورمیانه، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۲۰)، ۸۶ - ۵۵.
- خان‌محمدی، محمدهادی و آرش رئیسی‌نژاد (۱۴۰۲)، از نوع‌گرای تاقرن ترکی: تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت جهانی، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۴)، ۸۲ - ۵۹.
- خبیری، کابک (۱۳۸۲)، راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راهکارها)، مطالعات راهبرد دفاعی (۱)، ۰ - ۰.
- درج، حمید (۱۴۰۲)، مناقشه قره‌باغ و استراتژی ایران و ترکیه، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۳)، ۶۶ - ۳۱.
- رحیمی، امید. (۱۴۰۲)، ماهیت و پیامدهای راهبردی بازی بزرگ چندوجهی در آسیای مرکزی، قابل دسترسی در:
<https://www.iess.ir/fa/analysis/3563>
- رضائی، قاسم و خدیجه ثنائیان‌زاده (۱۴۰۰)، بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز (بحران قره‌باغ)، جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲(۲)، ۷۴ - ۵۱.
- فرهادی، محمد. (۱۴۰۰)، طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر ایران، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۷(۱۱۶)، ۱۲۰ - ۹۱.
- قادری، هاشم و احمد بخشی (۱۴۰۱)، دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۹)، ۸۸ - ۶۱.
- کاکایی، سیامک و سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۰)، سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۷(۱۱۵)، ۰.
- مشفق، زهرا (۱۴۰۱)، تبعات امنیت اقتصادی روابط ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی، ماهنامه علمی امنیت اقتصادی، ۹(۱۲)، ۹۰ - ۶۹.
- هادیان، ناصر. (۱۳۸۲)، سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. سیاست خارجی، ۱۷(۴)، ۷۰ - ۴۵.

لاتین

- Akçay, N. (2022). "Does the Organization of Turkic States Worry China and Russia?". Available at: <https://thedi diplomat.com/2022/11/does-the-organization-of-turkic-states-worry-china-and-russia/>
- Ambrosetti, E. T., Shiryev, Z., Oskanian, K., Bazoobandi, S., Dolidze, T., & Balci, B. (2023). A new regional order in the making: The coming geopolitics of the South Caucasus. Italian Institute for International Political Studies.
- Aran, A., & Kutlay, M. (2024): "TURKEY'S QUEST FOR STRATEGIC AUTONOMY IN AN ERA OF MULTIPOLARITY". Available at:
<https://ipc.sabanciuniv.edu/Content/Images/CKeditorImages/20240301-10034255.pdf>
- Aras, B. (2000). "Turkey's Policy in the Former Soviet South: Assets and Options". Turkish Studies, 1(1), 36-58. <https://doi.org/10.1080/14683840008721220>

- Avcı, A. (2021). "Güney Kafkasya ve Türkiye Sosyo-Ekonomik İlişkisi". *Stratejik ve Sosyal Araştırmalar Dergisi*, 5(2), 195-205.
- Avdaliani, E. (2022). *New World Order and Small Regions: The Case of South Caucasus*. Springer Nature.
- Ayar, B., & Arslan, O. (2023). *Trembling Chessboard: The Effects of Changing Russian-Turkish Relations in the South Caucasus*.
- Backes, O., & Swab, A. (2019). "Cognitive Warfare". *The Russian Threat to Election Integrity in the Baltic States*, Cambridge: Belfer Center for Science and International Affairs.
- Bowyer, R. (2018). *Dictionary of Military Terms*. Routledge.
- Bozdağlıoğlu, Y. (2007). "Constructivism and identity formation: an interactive approach". *Uluslararası Hukuk ve Politika*, (11), 121-144.
- Burak Gonca ,Isa. (2016). "Nagorno Karabakh: Armenia's Claims, Azerbaijan's Position, and the Peace Efforts", *E-International Relations*, Available at: <http://www.eir.info/2016/06/04/nagorno-karabakh-armenias-claims-azerbaijans-position-and-the-peace-efforts/>.
- Casey, E. S. (1993). *Getting Back into Place: Toward a Renewed Understanding of the Place-World*. Indiana University Press.
- Chan, M. (2021). "Why China, Russia 'Should Keep a Close Eye' on Upgraded Turkic Council". Available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3157627/why-china-russia-should-keep-close-eye-upgraded-turkic-council>.
- Chausovsky, E. (2020). "Turkey Challenging Russia's Monopoly in the South Caucasus". Available at: <https://newlinesinstitute.org/strategic-competition/regional-competition/turkey-challenging-russias-monopoly-in-the-south-caucasus/>
- Devonshire-Ellis, C. (2021). "Organisation of Turkic States Rebranded With Intention To Balance Central Asian Politics". Available at: <https://www.silkroadbriefing.com/news/2021/11/30/organisation-of-turkic-states-rebranded-with-intention-to-balance-central-asian-politics/>.
- EIA(U.S. Energy Information Administration) (2017). "Country Analysis Brief: Turkey", Available at: <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.cfm?iso= TUR>.
- Ergun Özbolat, A., & Valiyev, A. (2024). "EU's Actorness in the South Caucasus: Uneasy Alliance of Normative Power with Conflict Resolution and Peace-building". 175-198.
- Erol, M. S., & Çelik, K. E. (2017). "Türk Dünyası'nda işbirliği denemesi: Türk keneşi ve Kazakistan". *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, 17(2), 15-32.
- Frappi, C. (2017). "Turkish Foreign Policy in the Caucasus: The Azerbaijan Pillar". *European Perspectives on Turkey's Domestic Politics and Foreign Policy*, 115.
- Giragosian, R. (2009); "Changing Armenia-Turkish Relations", available at: <library.fes.de/pdf-files/bueros/georgien/06380>.
- Gökçelik, Ş. B. (2022). "Orta Asya'da Nüfuz Yarışı [Race for Influence in Central Asia]". Available at: <https://avim.org.tr/tr/Yorum/ORTA-ASYA-DA-NUFUZ-YARISI>
- Guliyeva, G. M. (2024). *Türkiye's Goals in the South Caucasus*. DOI <https://doi.org/10.24195/2414-9616.2024-3.26>
- Holsti, K.J. (1995). *International Politics, A Framework for Analysis*, Englewood Cliffs NJ, prentice Hall International Editions, seventh edition.

- Hovsepyan, L., & Tonoyan, A. A. (2024). "From Alliance to 'Soft Conquest': the Anatomy of the Turkish-Azerbaijani Military Alliance Before and after the 2020 Nagorno-Karabakh War". *Small Wars & Insurgencies*, 35(4), 622-655.
- Jović-Lazić, A. (2022). "The role of Turkey in the second Armenian-Azerbaijani armed conflict over Nagorno-Karabakh as a reflection of continuity and change in its foreign policy". *Међународни проблеми*, 74(1), 29-49.
- Kenjaeva, M., & Vaxadirov, M. (2024), *Geopolitical Analysis of the Significance of the South Caucasus for Interests of Turkey*, *British Journal of Global Ecology and Sustainable Development*, 24, 38-44.
- Kim, Moonhawk (2009). "Constructivism", Available at: www.olivialau.org/ir/archive/wen7.pdf
- Khutsishvili, G., Kandelaki, T., & Wheatley, J. (Eds.). (2016). *The South Caucasus at the Crossroads: Conflicts, Security, and Regional Cooperation*. Lexington Books.
- Laruelle, M., & Peyrouse, S. (2015). *Globalizing Central Asia: Geopolitics and the Challenges of Economic Development*. Routledge.
- March, J. G., & Olsen, J. P. (1998). "The institutional dynamics of international political orders". *International Organization*, 52(4), 943-969.
- Markarov, A., Galstyan, N. S., & Hayrapetyan, G. (2016). "The main dimensions and issues of Armenia's Foreign Security Policy". Available at: https://www.researchgate.net/publication/309764564_The_Main_Dimensions_and_Issues_of_Armenia%27s_Foreign_Security_Policy
- Martin, L. G. (2024). "Challenging Friends: Türkiye-US Relations". Available at: <https://www.allazimuth.com/2024/08/14/challenging-friends-turkiye-u-s-relations/>
- Muradov, Murad. (2020). "Russia and the Second Nagorno-Karabakh War", *Geopolitical Monitor*, November 8, 2020. Available at: <https://www.geopoliticalmonitor.com/background-russia-and-second-nagorno-karabakh-war/>.
- Onuf, N. (2012). *World of our making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*. Routledge.
- OTS. (2021, March 31). "Turkistan Declaration of the Informal Summit of the Cooperation Council of Turkic Speaking States". Available at: <https://www.turkicstates.org/en/temel-belgeler>.
- Papazian, H. (2024). "Turkey and 'Turks' in Postwar Armenia: Anxieties, Meanings, and Politics After the 2020 Karabakh War". *Ethnopolitics*, 23(3), 317-338.
- Petros, T. G. (2003). *Evolution of Armenia's Foreign Policy*. Armenian International Policy Research Group. Working Paper 13: 4.
- Reus-Smit, Christian. (2001). *Constructivism*, *Theories of International Relations*. Burchill Scott and Andrew Linklater (eds.), New York: Palgrave.
- Ruggie, J. G. (2002). *Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalisation*. Routledge.
- Samar, K., & Ademoğlu, Y. (2022). "Rusya'nın Orta Asya'da Nüfuzu Azalıyor mu, Türkiye'nin Adımları Jeopolitik Dengeleri Nasıl Etkiler? [Is Russia's Influence Decreasing in Central Asia? How Will Turkey's Steps Affect the Geopolitical Balances?]"
- Scotti, Simona. (2023). "Türkiye's Evolving South Caucasus Policy under Re-Elected Erdoğan", Available at: <https://www.commonspace.eu/opinion/turkiyes-evolving-south-caucasus-policy-under-re-elected-erdogan#>

- Şeker, B. Ş. (2024), The Effects of the Common History between Turks- Georgians in Second World War period on the Future Relations, *Karadeniz Araştırmaları*, 20(80), 1148-1170.
- Taspınar, O. (2014). *Turkey's Middle East Policies: Between Neo-Ottomanism and Kemalism*. Brookings Institution Press.
- TİKA. (2023). "About Us". Available at: https://www.tika.gov.tr/en/page/about_us-14650
- Toprak, N. G. (2020). "Orta Koridor Girişimi Bağlamında Türkiye'nin Değişen Orta Asya Politikası [Turkey's Changing Central Asia Policy Within the Context of the Middle Corridor Initiative] ". *Ahi Evran Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi (AEÜSBED)*, 6(1), 19-32. <https://doi.org/10.31592/aeusbed.634990>.
- Torbakov, I. (2010). "Russia and Turkish-Armenian Normalization: Competing Interests in the South Caucasus". *Insight Turkey*, 31-39.
- Torosian, Toros, Grigor Hayrapetyan, Diana Galoyan, Narek Hovakanyan, Narine Kotikyan and Lilit Sargsyan (2012). *Armenia and Turkey in the Processes of Regional Economic Integration*, Yerevan: "Gitutyun" Publishing House.
- Wendt, A. (1992), Anarchy is what states make of it: the social construction of power politics. *International organization*, 46(2), 391-425.
- World Bank. (2023). "Country Profile: Turkey". Available at: <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/ TUR>.
- Yalçın, A. Z., & Dogan, M. (2023). "Enerjide Dışa Bağımlılık Sorunu: Türkiye İçin Ampirik Bir Analiz". *Yönetim ve Ekonomi Dergisi*, 30(2), 203-223.
- Yiğitgüden, H. Y. (2023). *Bakü-Tiflis-Ceyhan Boru Hattının Yaşanan Tarihi [The Witnessed History of Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline]*. Ankara: Terazi Yayıncılık.
- Yurdakal O. (2021). "Investitsionnaya Politika Turtsii v Gruzii Posle Raspada SSSR [Turkey's Investment Policy in Georgia after the Collapse of the USSR] ". *Rossijskij vnesheekonomicheskij verstnik*. No. 7. P. 126–134.
- Yusibova, G. (2024). The First Steps Towards Strategic Alliance in Azerbaijani_Turkish Relations Before the Second Karabakh War, *Public Administration and Regional Development*, (23), 140-156.